

بسم الله الرحمن الرحيم

نظرات صاحب نظران غربی (مستشرقین)

در مورد موعود اسلامی

زهیر دهقانی آرانی

زمستان ۱۳۹۲

چکیده

اگرچه از دیرباز برخی از اندیشمندان و عالمان غربی در زمینه مفاهیم اسلامی و از جمله مهدویت پژوهش و تألیفاتی داشته‌اند، ولی سابقه توجه ویژه غرب به مهدویت معطوف به دو قرن اخیر است. در این فاصله زمانی عده‌ای از این اندیشمندان (مستشرقین) به طور خاص در موضوع مهدویت نزد مسلمانان پژوهش نموده‌اند و نظرات ایشان هم اکنون در منابع علمی (دایره‌المعارفها، کتب دانشگاهی و ...) و منابع عمومی (رسانه‌ها، فضای مجازی و ...) قابل مشاهده است. در این مقاله ابتدا با نگاهی تاریخی به زمینه‌های توجه غرب به مهدویت پرداخته می‌شود؛ سپس نمونه‌ای از نظرات برخی مستشرقین غربی که نظرات تاثیرگذاری در غرب در این زمینه داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد و به شیوه و قلمرو نگاه ایشان پرداخته می‌شود علاوه بر آنکه تاثیر افکار ایشان در حوزه‌هایی همچون دین‌پژوهی، شرق‌شناسی، آینده‌پژوهی، روابط سیاسی بین‌المللی و ... تحلیل می‌گردد. محدودیت‌ها و آفات نگاه غرب در موضوع مهدویت نیز بخش مهمی است که طی آن زمینه‌های نگاه ناصحیح مستشرقین به مهدویت تبیین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، مستشرقین، غرب

اگرچه صاحبان اندیشه در غرب در حوزه شرق و به ویژه اسلام تحقیقات مفصلی صورت داده‌اند و بسیاری نظرات ایشان به واسطه روش پژوهشی به کار گرفته، مورد قبول و استناد مجامع علمی در جهان قرار گرفته است، ولی این تحقیقات در مورد مفهوم و کاربرد آموزه مهدویت ناقص و اندک بوده است. ورود دیر هنگام پژوهشگران غربی به این عرصه و نیز ضعف روش و منابع ایشان باعث شده که غالب نظرات این اندیشمندان رنگ و بوی کمی از حقیقت را دارا باشد. در این عرصه کتاب پرارزش مهدویت و مستشرقان دکتر سید رضی موسوی گیلانی پژوهشی نسبتاً جامع و کارآمد در این عرصه است که در این کتاب به برخی از این مستشرقین و نظرات ایشان در حوزه مهدویت پرداخته و مورد نقد و بررسی روشی و محتوایی قرار گرفته است. کتاب فوق اگرچه کاری نو و ماندگار در این عرصه بوده است ولی این پژوهش متأسفانه ادامه نیافته و در مورد مستشرقان معاصر در این کتاب کمتر اثری می‌توان یافت. این مطلب از آنجا اهمیت می‌یابد که امروزه به واسطه شرایط سیاسی و مذهبی و نیز بستر گسترده تبادل اطلاعات، مهدویت اسلامی مورد توجه مخاطبان خاص در مجامع علمی و سیاسی و نیز مخاطبان عام گردیده است و طبیعتاً باید با شناخت نیاز و سوالات مخاطبان محتوا و روش مناسبی برای تبیین آموزه والای مهدویت برای ایشان فراهم ساخت. این مقاله با استفاده از منابع مختلف درصدد است به گونه‌شناسی نظرات مستشرقان در زمینه مهدویت پرداخته و به صورت تاریخی و روش‌شناسانه، این دیدگاهها را تقسیم‌بندی نماید. همچنین تلاش می‌نماید با بررسی نقاط ضعف و قوت دیدگاه‌های مطرح شده توسط مستشرقان، زمینه‌ای برای رفع نقاط ضعف و تبلیغ صحیح این باور در جهان غرب بپردازد.

نگاهی تاریخی به توجه غرب به مهدویت

در طول تاریخ به ویژه دو صده اخیر جهان غرب به موضوع مهدویت و جایگاه آن در اسلام و میان مسلمانان توجه خاص نشان داده است. دلیل این توجه معمولاً به دو امر بازگشت داشته است؛ اول واقعه‌ای تاریخی که توجه حکومتها یا جوامع علمی غرب را به این مفهوم و مفاهیم مرتبط با آن

جلب نموده است. دلیل دوم هم موج حاصل از اوج‌گیری علاقه دانشمندان غربی به شرق و مردمان آن بوده و در این زمینه برخی دانشمندان غربی را به سمت و سوی ادیان شرق از جمله اسلام کشانده و علاقمندان را در این حیطه وارد نموده است. ماحصل این توجه کتابهای چندی است که مستشرقین به طور مستقل و یا در ضمن کتب دیگر در زمینه مهدویت در اسلام منتشر کرده‌اند.

به عنوان مثال می‌توان به جریان محمد احمد سودانی و قیام وی در سال ۱۸۸۵م - ۱۳۰۲ ه.ق اشاره نمود. این واقعه که در شمال آفریقا و در میان مناطق مستعمره کشورهای اروپایی به وقوع پیوست، توجه اروپاییان را به موضوع مهدویت کشانید تا بدانجا که دانشگاه سوربن فرانسه جیمز دارمستر محقق شرق‌شناس خود را مامور نمود تحقیقی در این عقیده انجام دهد و ماحصل سخنرانیها و مقالات وی در این موضوع در کتاب "The Mahdi, Past & Present" به چاپ رسید.^۱

البته علاقه و توجه غرب به موضوع مهدویت تا چندی پیش محدود به جوامع علمی بود و به طور ویژه بستر عمومی غرب به موضوع مهدویت توجه چندانی نشان نمی‌داد. با ظهور انقلاب اسلامی در کشور ایران، توجه غرب دوباره به سمت و سوی علل و عوامل این انقلاب معطوف گشت و در این میان بحث مهدویت به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در این موضوع مطرح شد. از آنجا که غرب با ظهور انقلاب اسلامی در ایران منافع خود را در خطر می‌دید در صدد برآمد اولاً از صدور آموزه‌های عقیدتی و انقلابی ایران به خارج از مرزها خودداری کند و ثانیاً این آموزه‌ها را تهدیدی مهم برای غرب و حتی کل جهان نشان دهد. برای اثبات این کلام کافی است نگاهی به فیلم "نوسترادموس"، مردی که فردا را دید"^۲ بیندازیم. در این فیلم که تنها یک سال پس از وقوع انقلاب ساخته شد، اسلام و به ویژه رهبر اسلامی که خلافتی جهانی را به وجود می‌آورد، فردی خونریز و دشمن بشریت معرفی می‌شود.

این روند همگام با گسترش رسانه‌های ارتباطی در سطح جهان ادامه یافت تا آنکه همزمان با جریانات اسلام‌ستیزی در سالهای اخیر به ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل جدیدی به خود گرفت. در این سالها ما با نمایش شکل جدیدی از اسلام در میان طالبان و گروه القاعده در سطح جهان مواجه می‌شویم که اسلامی خشن، متعصب، بی روح و مخالف ستیز را به عنوان نماد حقیقی

اسلام به جهانیان عرضه می‌نماید. جالب است این روحیات که بر هر مخالفی حکم مرگ جاری می‌کند، پرچم سیاه را به عنوان علامت لشکر پیشگام مهدی، منجی آخرین مسلمانان عَلم می‌نماید و رهبر خود را به عنوان نمایی از آن شخصیت والا معرفی می‌کند. اگر ما به فرض نتوانیم و یا نخواهیم ایجاد و قدرت گرفتن چنین گروهی را به دست غریبان بدانیم، نمی‌توانیم بر این واقعیت چشم خویش را ببندیم که نمایش این گروه کوچک به عنوان نماد تمامی مسلمانان در رسانه‌های غربی بدون قصد و غرض نبوده است.^۳

در سال ۲۰۰۵ همزمان با برخی تحولات سیاسی و تشکیل دولت جدید در ایران، ما با نگاه جدیدی به مقوله مهدویت در غرب مواجه می‌شویم. علت این توجه سخنرانی رییس جمهور ایران در سازمان ملل در آن سالها و پرداختن گسترده به مهدویت و منجی‌گرایی از آن تریبون بوده است. با توجه به مطرح شدن این واژه در سطحی جهانی رسانه‌های غربی باب جدیدی برای معرفی این مفهوم با رویکردی خاص به مخاطبان خود بر می‌آیند که ما ادامه این روند را به طور متعدد در سالیان اخیر نیز مشاهده می‌کنیم. این روند پس از ظهور جریانات بیداری اسلامی در خاورمیانه و به ویژه پس از رخدادهای سوریه شکل خاص‌تری نیز به خود گرفته است. شاید بدون اغراق بتوان گفت فارغ از شیوه طرح این مبحث در زمان حاضر، هیچگاه چنین توجهی در سطح جهان به مفهوم منجی‌گرایی اسلامی و مهدویت نشده است.

نظرات صاحب نظران غربی (مستشرقین) در مورد موعود اسلامی

گرچه صاحب نظران غربی که در حیطه پژوهشی شرق و ادیان شرقی به ویژه اسلام تحقیق می‌کند (مستشرقان) از دیرباز به برخی مقولات اسلامی همچون زندگانی پیامبر گرامی اسلام ص و نیز قرآن کریم توجه بیشتری نشان داده اند ولی بُروز عواملی چند از جمله گسترش پژوهشها، جذابیت موضوع و ترغیب دولتها باعث توجه مستشرقان به مقوله مهدویت به ویژه در دوسده اخیر گردیده است. شیوه نگاه صاحب نظران غربی در این موضوع کاملاً معطوف به روش تحقیقاتی، میزان تسلط به تاریخ و منابع اسلامی، هدف و دامنه تحقیق فرد بوده است. برخی از این مستشرقان -مانند دارمستتر- کتاب مستقلی در این موضوع

تالیف کرده اند و برخی دیگر در میان کتب و مقالات خود به این موضوع پرداخته اند. بررسی نظرات برخی از این مستشرقان -که معرفی مفاهیم دینی از جمله مهدویت به مجامع علمی و عمومی غرب از طریق ایشان صورت می پذیرد- جهت مشاهده شیوه و سابقه نگاه ایشان به موضوع مهدویت مفید به نظر می رسد:

۱- جیمز دارمستتر^۷: دارمستتر استاد یهودی مذهب دانشگاه سوربن فرانسه که در عرصه فرهنگ شرق به ویژه ایران باستان و مذهب زرتشت تخصص داشته است.^۸ گرچه کتب او در زمینه ایران باستان و زرتشت^۶ از معروفیت بالایی برخوردار است ولی ماموریتی که از طرف دانشگاه سوربن برای تحقیق در مورد مهدی سودانی به وی داده شد، باعث ایراد چند سخنرانی و تالیف کتابی با عنوان "مهدی از گذشته تا کنون"^۷ توسط وی گردید. به طور خلاصه می توان روش دارمستتر در شناخت مسئله مهدویت را تاریخی دانست که صرفاً به پیدایش تاریخی مسئله مهدویت در صدر اسلام فرقه ها و افرادی که خود را مهدی می دانستند، پرداخته است. وی تحت تأثیر افکار ابن خلدون برای مهدویت خاستگاه دینی قائل نبوده و آن را برآمده از آیات کتاب آسمانی مسلمانان و سخنان نبوی نمی داند، از اینرو برای پیدایش و ترویج آن به دنبال دلایل اجتماعی و تاریخی است و حتی اعتقاد به مهدویت در میان مسلمانان را تأثیر گرفته از تفکر ایرانیان و زرتشتیان درباره سوشیانس می داند.^۸

۲- همیلتون گیب^۹: گیب تاریخ دان و شرق شناس اسکاتلندی است که به واسطه برخی تحقیقات خود در زمینه ادیان شرقی و به ویژه اسلام و نیز تربیت برخی مستشرقان دیگر جایگاه بالایی در میان اسلام شناسان غربی دارد.^{۱۰} با وجود آنکه از جهت ادوار شرق شناسی متعلق به دوره چهارم است و در دوره ای می زیست که شیوه پدیدارشناسی میان شرق شناسان متعارف بوده است، لکن وی نیز همچون شرق شناسان قرن نوزدهم، نگاهی تاریخی به شیعه و مهدویت دارد و بسیاری از سخنان او درباره پیدایش افکار کلامی شیعه که آن را محصول جریانات اجتماعی و سیاسی قرن دوم دیده و اندیشه شیعه را درباره امامت و مهدویت تحت تأثیر ادیان ایران باستان و عرفان شرقی می داند.^{۱۱}

۳- هانری کربن^{۱۲}: کربن فیلسوف، شرق‌شناس و شیعه‌شناس فرانسوی و استاد دانشگاه سوربن پاریس بوده است.^{۱۳} وی که در سالیان آخر زندگیش به طور منظم به ایران می‌آمد، به شدت به عرفان اسلامی و نگاه شیعی به آن علاقمند بود و در این زمینه مطالعات گسترده و تالیفات چندی دارد.^{۱۴} شاید به همین دلیل باشد که روش او در مطالعه عقاید اسلامی متفاوت از گذشتگان خویش و با روش پدیدارشناسانه است. وی مهدویت را از محوری ترین عناصر اعتقادی عرفان و حکمت شیعی معرفی کرده که از طریق آن ارتباط بشر با عالم معنا دائما برقرار می باشد. اگرچه به دیدگاه‌های کربن در مواردی همچون تمایل وی به باطنی گرایی و عدم توجه به زوایای دیگر تفکر مهدویت اشکالاتی وارد است، ولی در مجموع دیدگاه او برگرفته از منابع معتبرتر و با گرایش همدلانه -و نه معاندانه- بوده است.^{۱۵}

۴- برنارد لوییس^{۱۶}: یکی از مستشرقان برجسته و صاحب نام در زمینه تاریخ اسلام و فرق اسلامی (به ویژه اسماعیلیه) برنارد لوییس است. او که متولد لندن و یهودی است، در دانشگاه پرینستون آمریکا تدریس می‌کند و در کنفرانسهای مختلف به ویژه سمینارهای تشکیل یافته در اسرائیل حضور فعال دارد.^{۱۷} وی که نظریه خاصی در مورد پیدایش شیعه در آغاز اسلام دارد^{۱۸}، با نقل نظریات مختلف مستشرقان در زمینه منشأ مهدی‌باوری نزد شیعیان، نظریه دارمستر مبنی بر وارداتی بودن این تفکر از ایران باستان را تقویت می‌کند و نظریات دیگر را تضعیف می‌نماید.^{۱۹}

مستشرقان دیگری مانند فان فلوتن^{۲۰}، ایگناتس گلدتسیهر^{۲۱}، ادوارد براون^{۲۲} و مونتمگری وات^{۲۳} نیز در کتب خود به موضوع مهدویت پرداخته‌اند که به دلیل اختصار و نیز تشابه نظرات، از ذکر آنها خودداری گردیده است. در مجموع باید گفت اغلب شرق‌شناسانی که درباره مهدویت نظراتی را در سخن و نوشته خود ابراز کرده‌اند، نگاهی تاریخی به آن دوخته‌اند و ریشه مهدویت را در بن‌بستهای اجتماعی و شکستهای سیاسی جستجو کرده‌اند و به جای آنکه با نگاهی پدیدارشناسانه به جایگاه این عقیده در متون اصیل دینی توجه کنند، به جنبشهای مهدی‌گرایانه و زمینه‌های آن پرداخته‌اند. حاصل این امر نیز غالباً چنین شده که جایگاه علت و معلول را در این موضوع اشتباه دیده و به جای آنکه ظهور چنین پدیده‌هایی را در وجود اصلی پایه

ای به نام مهدویت در متن اسلام بدانند، مهدی‌گرایی را زاییده رنج و نقصان و ستم در میان مسلمانان به شمار آورده‌اند.

شیوه و قلمرو نگاه غرب به موعود اسلامی

با توجه به تاریخچه توجه غرب به موعود اسلامی و بازخورد این توجه در کتابها، رسانه ها و عملکرد غرب در این زمینه، می توان شیوه نگاه غرب به موعود اسلامی را در سه مرحله مورد ارزیابی قرار داد:

۱- بی توجهی: در این مرحله موعودگرایی اسلامی نزد غربیان مانند بسیاری از مفاهیم دیگر اسلامی، فرعی و کم اهمیت تصور می شد. بدین سبب لزومی برای بررسی دقیق و موشکافانه و دقت در ابعاد اجتماعی آن نبود. شاید بتوان نگاه غرب به مهدویت در دامنه تاریخی پیش از قرن ۱۸ میلادی را با این مورد ارزیابی قرار داد و عدم اشاره یا اشارات کم فروغ نویسندگان شرق شناس غربی در آن دوره و در این موضوع را شاهی بر این موضوع ارائه داد.

۲- توجه کنجکاوانه: به تدریج و با گسترش توجه غرب به شرق و به ویژه اسلام، شرق شناسان و اسلام شناسان به مفاهیم دینی اسلامی توجه بیشتری نشان دادند و بررسی موشکافانه تری از این مفاهیم -و از جمله موعود اسلامی- صورت پذیرفت. این توجه مصادف با ظهور مدعیانی چند در قرن ۱۸ گردید که برخی از آنها همچون مهدی سودانی به منافع غرب در کشورهای مستعمره ضرباتی وارد کردند. بدین سبب دولتهای غربی نیز به این مقوله توجه بیشتری نشان داده و مراکز علمی را ترغیب به پژوهش در این موضوع کردند. (دانشگاه سوربن دارمستر)

۳- توجه با هدف مقابله و تخریب: از آنجا که شالوده مهدی گرایی در عالم اسلام بر مبنای مقابله با ستم و فراگیرشدن عدالت بنا نهاده شده است، معمول حرکتهای مهدی گرایانه نیز در این بستر شکل گرفته اند. بدین سبب جنبشهای مهدی گرایانه ای که در سده های اخیر در کشورهای اسلامی حادث شده اند، حداقل در ابتدا شیوه ای ظلم ستیزانه و عدالت خواهانه داشته اند. از آنجا که معمول کشورهای اسلامی به طور آشکار و یا پنهان مستعمره کشورهای غربی بوده و این کشورها منافع بسیاری از این استعمار عاید خویش می کرده اند، بُروز این حرکتهای -که گاه منشأ

اصلی پیدایش آنها تسلط غرب بر سرزمین اسلامی و ظلم حکام دست‌نشانده بوده است (مانند حرکت مهدی سودانی در شمال آفریقا) - ضربه ای جدی به منافع کشورهای استعمارگر وارد می ساخته است. راهکاری که غرب در مقابله با این تفکر صورت داده را می توان در دو دامنه کلی تقسیم نمود؛ دسته اول اقداماتی است که غرب در میان کشورهای اسلامی در این باره صورت داده است و دسته دوم شامل اقداماتی می شود که در خود کشورهای غربی جهت تخریب این باور صورت گرفته است.

نمونه اقداماتی که غرب در میان کشورهای اسلامی در این باره صورت داده به طور خلاصه عبارتند از:

- ا. تلاش برای انحراف حرکت‌های مهدی‌گرایانه و جهت‌دهی ناسیونالیستی و مادی به جای جهت مذهبی
 - ب. ایجاد مدعیان مهدویت در کشورهای مختلف اسلامی (همچون ایران، هند و پاکستان، شمال آفریقا و ...) با هدف تضعیف باورهای مهدوی
 - ج. تلاش برای پررنگ نشان دادن اختلافات فرق اسلامی در مورد مهدویت و ایجاد افتراق میان مذاهب اسلامی در این مورد
 - د. خشونت آمیز کردن برخی حرکت‌های مهدوی با هدف تخریب اصل باور مهدویت و نیز بهانه‌یابی جهت سرکوب آنها
 - ه. اصالت بخشی به مواردی که اختلافی و مشکوک بوده و یا از اهمیت زیادی در این موضوع برخوردار نیست و در مقابل به حاشیه بردن اهداف اصلی باور مهدوی
- مخاطب دسته دوم اقدامات غرب، افکار عمومی و مردمی بودند که در غرب زندگی می‌کنند. به تدریج با توسعه رسانه‌های جمعی، اخبار و اطلاعات بسیاری در مورد عقاید اسلامی و باورهای تاثیرگذار آن به ویژه مهدویت وارد فضای علمی و رسانه‌ای گردید که می‌توانست جاذبه و کشش بسیاری در مخاطبان غربی ایجاد نماید و این مطلوب اردوگاه فکری غرب نبود.^{۲۴} غرب جهت عدم توجه و اقبال افکار عمومی خود به مهدویت راهکارهایی را به کار گرفت که از جمله آنها تخریب

اسلام به طور عام و برخی عقاید اساسی و موثر اسلامی به طور خاص در رسانه های گوناگون خود بود. در مورد مهدویت این تخریب در سه قالب ذیل بوده است:

أ. تخریب از طریق معرفی سطحی: در این شیوه مهدویت به صورتی به مخاطب معرفی شده است که مفهومی سطحی و کم‌اهمیت و یا خرافی به نظر برسد. به طور متعدد نمونه این شیوه را می‌توان در مقالات نوشتاری و یا برنامه‌های دیداری رسانه‌های غربی دید.^{۲۵}

ب. تخریب از طریق معرفی نمونه منفی: در این شیوه مهدویت در قالب مثالی عینی -البته از نوع منفی- ارائه می‌شود که مخاطب با ملاحظه نمونه منفی معرفی شده، از این مفهوم والا دل‌زدگی پیدا کند. این نوع معرفی به طور وسیع در معرفی مهدی عج در رسانه‌های غربی به کار برده شده است.^{۲۶}

ج. تخریب از طریق ایجاد ترس: در این روش مهدویت به شیوه‌ای معرفی می‌شود که نتیجه آن ترس و رعب مخاطب از آن و به تبع آن از ارائه‌کنندگان و پیروان آن می‌باشد. نگاهی که امروزه در قالبهای مختلف اسلام‌ستیزانه در مورد مفاهیم اسلامی و از جمله مهدویت از جانب رسانه‌های بی‌شمار غربی تبلیغ می‌شود، مخاطب غربی را به چنان هراسی و می‌دارد که اسلام و مهدویت را به عنوان دشمن شماره یک خود و دینش می‌شمارد و با سیاستهای جاری دولت خویش علیه اسلام و کشورهای اسلامی همگام می‌شود.^{۲۷}

گرچه قلمرو نگاه غرب به مهدویت ابتدا تنها معطوف به شناخت جایگاه دینی و تاریخی آن در میان مسلمانان بود ولی به تدریج معطوف به کارکردهای موثر آن نیز گردید. در مقام مقابله نیز همین دو حیطه مورد هجوم و تخریب قرار گرفته است به طوریکه هم در عرصه معرفی مفاهیم مرتبط با مهدویت در منابع علمی غرب می‌توان جهت‌گیریها و تزریق اطلاعات نادرست را به طور واضح مشاهده نمود^{۲۸} و هم در حوزه کارکردهای این مفهوم کتابها، مقالات، فیلمها و برنامه‌های رسانه‌ای گوناگونی را مثال زد که با هدف انحراف و یا تخریب ساخته و پرداخته شده اند.

محدودیت‌ها و آفات نگاه غرب در این موضوع

پژوهشهای مستشرقان در حوزه اسلام و مفاهیم اسلامی همچون مهدویت از آسیبهای زیادی رنج برده که منشأ برخی از آنها کم اطلاعی و برخی آمیخته شده مباحث علمی با جهت گیریهای مذهبی و سیاسی بوده است. در مجموع می توان علل زیر را به عنوان مهمترین دلایل نگاه غالباً ناصحیح مستشرقان غربی به مفاهیم اسلامی به ویژه مهدویت دانست:^{۲۹}

۱- برخی اسلام شناسان غربی بدون اعتقاد و باور دینی به اندیشه و فرهنگ اسلامی و با نگاهی منفی به تمدن اسلامی به پژوهش پرداخته اند و غالباً تحت تأثیر روش تاریخی نگری بوده و اسلام یا مهدویت را براساس بسترها، حوادث و عوامل جبری یا شرایط اجتماعی بررسی نموده اند.

۲- مشکل دیگر برخی دیگر از مستشرقین خودبرتربینی در حوزه دین و فرهنگ بوده است. لازمه صحت تحقیق به کنار نهادن هرگونه پیش فرض و نگاه بی طرفانه به موضوع پژوهشی است ولی چنین چیزی در بسیاری تحقیقات اسلام شناسان غربی دیده نمی شود و چنانکه هم در گذشته و هم در حال حاضر مشهود است، محقق با عقایدی از پیش پذیرفته شده وارد عرصه کار شده و نتیجه جهت گیری گاه و بیگاه او به فرضیات خود بوده است.

۳- برخی مستشرقان از طرف نهادهایی برای خاورشناسی گسیل شده اند که اهداف خاص استعماری، سیاسی و حتی مذهبی داشته اند و عملاً این افراد عواملی در جهت تحقق همان اهداف بوده اند. طبیعی است در چنین شرایطی نباید انتظار داشت پژوهشگر غربی خارج از ماموریت محول شده بازخوردی داشته باشد.

۴- رجوع به منابع دست دوم و عدم توجه یا مراجعه به منابع دست اول از مشکلات مهم دیگر این پژوهشها بوده است. اگرچه ممکن است آشنایی اولیه یک مستشرق با عقیده اسلامی از راه منابع متاخر باشد ولی لازمه تحقیق دقیق رجوع به منابع دست اول و سنجش صحت برداشت اولیه است. نکته مهم دیگر عدم توجه به اختلاف نظرات در دایره عقیدتی مورد پژوهشی است. متأسفانه موارد بسیاری از این تحقیقات می توان مثال زد که تنها به یکی از نظریات - که حتی ممکن است دیدگاه رایج و مقبول در میان نظرات دیگر هم نباشد- در موضوع اشاره شده و بر مبنای آن پایه های

تحقیق بنا گذارده شده است^{۳۰} که طبعاً با تضعیف آن مورد، کل پژوهش و نتیجه آن خدشه خواهد پذیرفت.

۵- عوامل مهم دیگری همچون کلی نگرى به جای جزئى نگرى، عدم توجه به ابعاد مختلف دین اسلام و تفاوت آن با مسیحیت و دیگر ادیان، استفاده از ابزارهای نافیصى همچون لغت شناسى زبان و سنجش تاریخی برای شناخت مفاهیم اسلامى و یا تعمیم موضوعى مرتبط با مذهب و تفکر خاص به کل دین اسلام از جمله عوامل مهم دیگر بوده که باعث نقص تحقیقات پژوهشى مستشرقان در موضوعات اسلامى - و به ویژه مهدویت- بوده است.

نتیجه محدودیتها و اشکالاتی که بر پژوهش مستشرقان سایه افکنده، آن بوده که غالب ایشان نتوانسته‌اند به نظریه‌ای صحیح و دقیق در موضوع پژوهشى پردازند. از آنجا که نظریات اسلام‌شناسان غربی در مجامع علمى غرب بیشتر مطرح شده و از مقبولیت بالاتری برخوردار است، این نظرات و برداشتها به عنوان اصول موضوعه پذیرفته شده و مورد ارجاع متعدد قرار گرفته‌اند.^{۳۱} متأسفانه این رویکرد حتی با گسترش فناوری و امکان دسترسی به منابع اصلی و نظریات دیگر در موضوع، تغییر چندانی نداشته و اصلاح نشده است و ما همچنان شاهد تکرار اشتباهات مستشرقان پیشین در تحقیقات جدید هستیم.

تأثیر این نظرات بر رسانه ها و در حوزه‌هایی همچون دین پژوهی، شرق‌شناسی، آینده پژوهی، روابط سیاسى بین‌المللى و

دیدگاه ها و نظرات مستشرقان در زمینه اسلام و عقاید اسلامى تأثیر بالایی در مجامع علمى و نیز بستر عمومى جوامع غربى داشته است. دلیل این امر به جایگاه علمى این افراد در غرب، انتشار گسترده این نظریات در سطح علمى و عمومى، کم فروغ بودن دانشمندان اسلامى در محافل آکادمیک غرب و البته سانسور آگاهانه نظریات این دانشمندان در غرب باز می‌گردد. از آنجا که اکثر مقالات علمى در دایره- المعارفهای معتبر بین‌المللى در زمینه اسلام و باورهای اسلامى توسط این مستشرقان نوشته می‌شود^{۳۲} و از آنجا که رشته‌های مرتبط علمى جهت اخذ نگاه اسلام به این منابع رجوع می‌کنند، طبیعى است رگه‌های

نظریات ناقص و غالباً ناصحیح این مستشرقان در علوم دین‌پژوهی، تاریخ و تمدن و یا آینده-پژوهی^{۳۳} نیز نمود داشته باشد.

در عرصه روابط سیاسی و بین‌المللی، سیاستمداران غربی برای شناخت عقاید، آداب و تاریخ کشورهای اسلامی غالباً متکی به نظرات مستشرقان غربی بوده‌اند. اگرچه برخی بر این باورند که روند شرق‌شناسی به صورت کنونی پس از تصمیم شورای کلیسای وین در سال ۱۳۱۲ مبنی بر تشکیل کرسیهای زبانهای کشورهای شرقی آغاز شده^{۳۴} و دلیلی مذهبی داشته است، ولی اولاً در آن زمان کلیسا عهده دار امور سیاسی اغلب کشورهای غربی بوده و از طرف دیگر کسی منکر این مطلب نیست که بسیاری از مستشرقین قرون اخیر با مأموریت‌های سیاسی^{۳۵} توسط دولت‌های خویش به تحقیق در مورد اسلام و عقاید اسلامی پرداخته‌اند^{۳۶} و حتی در این رابطه جوایزی نیز از طرف رهبران غربی دریافت کرده‌اند.^{۳۷} به هر ترتیب بسیاری نقل قولهایی که در سالیان اخیر از زبان سیاستمداران و کارشناسان غربی در مورد عقاید اسلامی و از جمله مهدویت خارج شده، مشابه برداشتهای مستشرقان بوده است.^{۳۸}

در عرصه رسانه ای نیز همزمان با گسترش ادبیات آخرازمانی در رسانه های مختلف نوشتاری و دیداری^{۳۹}، محصولات تولیدی با هدف جذب مخاطب و پوشش دادن خوراک تبلیغاتی به این سمت و سو گرایش داشته است. انتشار کتب متعدد (داستانی^{۴۰} و علمی^{۴۱})، فیلمهای سینمایی^{۴۲} و بازیها، برنامه های خبری، گزارشی و یا تحلیل شبکه های ماهواره ای^{۴۳} و نیز صفحات بیشمار که در فضای مجازی در موضوع آخرازمان، نگاه اسلام و مسیحیت به آن و مقایسه آن دو، منجی اسلام و مسیحیت و بسیاری موضوعات دیگر به نمایش در آمده است، همگی این موارد در درجه اول به منابع غربی و نظرات مستشرقان مراجعه کرده و به آن استناد می‌دهند. بنابراین به نظر می‌رسد شناخت نظرات و فعالیت‌های مستشرقان جهت پاسخگویی و مقابله با تبلیغات ناصحیح رسانه های غربی امری ضروری است.

نتیجه گیری

اگرچه در پهنه تحقیقاتی مستشرقان در زمینه اسلام، ابتدا موضوع مهدویت چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت، به دلایل مختلف از جمله برخی وقایع تاریخی و توجه غرب به تاثیر این باور در بیداری و خیزش

مسلمانان، نگاه غرب به این عقیده معطوف گردید و به همین دلیل در دو سده اخیر مستشرقان بسیاری به طور ویژه و یا در ضمن موضوعات دیگر اسلامی به مهدویت پرداخته‌اند. نگاه پژوهشگران غربی به مهدویت در یک سطح نبوده و متأسفانه در غالب موارد به دلیل ضعف منابع، استناد به اقوال ضعیف، عدم توجه به روش‌شناسی صحیح احادیث مهدوی و البته یک‌جانبه‌گرایی این نظرات رنگ و بوی صحیحی به خود نگرفته است. فراتر از جنبه‌های علمی، علل سیاسی و فرهنگی دیگری نیز در سالیان اخیر این توجه را پررنگ کرده است که حاصل آن تأسیس پژوهشکده‌های خاص و تألیف کتب ویژه در موضوع مهدویت در سالیان اخیر در غرب بوده است.

از آنجا که این نظرات مبنای تصمیمات سیاسی و برداشت‌های مختلفی در حوزه‌هایی همچون دین‌بژوهی، شرق‌شناسی، آینده‌بژوهی و روابط سیاسی بین‌المللی در سطح جهان می‌گردد، بازبینی و تبیین مجدد باور مهدوی در عرصه کشورهای غربی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین رصد و تحلیل فعالیتهای کشورهای غربی در مقابل این عقیده و نیز پاسخگویی مناسب در برابر این هجمه‌ها امری لازم برای پاسداشت و تبلیغ باور والای مهدویت است.

فهرست منابع

منابع مکتوب:

- موسوی گیلانی، سیدرضی، شرق‌شناسی و مهدویت، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ع، ۱۳۷۹
- ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
- بلخاری حسن، تهاجم فرهنگی یا تفاوت فرهنگی، چاپ دوم، تهران: انتشارات حسن افزا، ۱۳۷۸
- جهانسوز، محسن، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری، ادیب، تهران، ۱۳۱۷
- گیب، همیلتون، اسلام، بررسی تاریخی، منوچهر امیری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷
- کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه: سیدجواد طباطبایی، انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۲
- لویس، برنارد، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۲

▪ سعادت، حمید، "واژه ((مهدی)) و جایگاه آن در کتاب و سنت، از نگاه اسلام‌شناسان غربی"،

فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۷ بهار و تابستان ۱۳۹۱

▪ موسوی گیلانی، سید رضی، "مستشرقان و مهدویت"، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۵ بهار و

تابستان ۱۳۸۵

▪ کارگر، رحیم، "آینده‌پژوهی مهدوی"، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۸

▪ Darmesteter, James, "Le Mahdi: Depuis les origines de l'Islam jusqu'à nos jours", Adamant Media Corporation, Paris, ۲۰۰۱

▪ Ron Cantrell, "The Mahdi: Hijacked Messiah", Ron Cantrell Publishing; ۳rd edition, ۲۰۰۴

منابع مجازی و رسانه ای:

▪ Guenette, Robert, "Nostradamus, The Man Who Saw Tomorrow", (۱۹۸۱).

▪ <http://en.wikipedia.org>

▪ <http://ar.wikipedia.org>

▪ <http://amazon.com>

▪ <http://www.britannica.com>

▪ <http://www.imdb.com>

▪ <http://www.cbn.com>

▪ <http://www.joelrosenberg.com>

پانوشتها

^۱ - این کتاب در ایران با نام "مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم" ترجمه شده و موجود است.

^۲ - Nostradamus, The Man Who Saw Tomorrow (۱۹۸۱); <http://www.imdb.com/title/tt۰۰۸۱۱۰۹>

^۳ - در بخشهای بعدی مقاله، به نمونه ای از این سوء استفاده اشاره خواهد شد.

^۴ - James Darmesteter (۱۸۴۹-۱۸۹۴)

^۵ - http://en.wikipedia.org/wiki/James_Darmesteter

^۶ - مانند "اورمزد و اهریمن" (۱۸۷۷-پاریس) و یا "مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا" برای اطلاعات بیشتر ر ک: شرق شناسی و مهدویت ص ۱۰۶ و یا

http://www.amazon.com/s/ref=ntt_athr_dp_sr_۱?ie=UTF۸&field-author=James+Darmesteter&search-alias=books&text=James+Darmesteter

^۷ - نسخه فرانسوی و انگلیسی این کتاب در آدرسهای ذیل قابل مشاهده است:

http://www.amazon.com/Le-Mahdi-Depuis-origines-Edition/dp/۱۴۲۱۲۴۶۶۷/ref=sr_۱_۵۶

http://www.amazon.com/The-Mahdi-James-Darmesteter/dp/۱۱۱۰۸۷۱۱۲۰/ref=sr_۱_۱

این کتاب به فارسی هم ترجمه شده که آدرس کتابشناسی آن به ترتیب ذیل است: دارمستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، محسن جهانسوز، کتابفروشی ادب، تهران، ۱۳۱۷.

^۸ - شرق شناسی و مهدویت صص ۱۰۸-۱۱۲

^۹ - Hamilton Alexander Rosskeen Gibb (۱۸۹۵-۱۹۷۱)

^{۱۰} - از این نویسنده کتاب "اسلام: بررسی تاریخی" با ترجمه منوچهر امیری در ایران منتشر شده است. برای اطلاعات بیشتر ر ک:

http://en.wikipedia.org/wiki/Hamilton_Alexander_Rosskeen_Gibb

^{۱۱} - مهدویت و مستشرقین صص ۱۹۰-۱۹۴

^{۱۲} - Henry Corbin (۱۹۰۳-۱۹۷۸)

^{۱۳} - http://en.wikipedia.org/wiki/Henry_Corbin

^{۱۴} - از معروفترین تالیفات وی دو کتاب تاریخ فلسفه اسلامی و اسلام ایرانی است. در مقدمه کتاب اول می توان اطلاعات بیشتری از کربن یافت.

^{۱۵} - مهدویت و مستشرقین صص ۹۳-۱۰۴

^{۱۶} - Bernard Lewis (۱۹۱۶-)

^{۱۷} - http://en.wikipedia.org/wiki/Bernard_Lewis

^{۱۸} - نظریه مذکور را می توان در کتاب ترجمه شده وی با نام "تاریخ اسماعیلیان" ترجمه فریدون بدره ای انتشارات توس تهران ۱۳۶۲ ملاحظه نمود.

^{۱۹} - مهدویت و مستشرقان صص ۲۳۱ - ۲۳۳ و بلخاری حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، انتشارات حسن افزا، ص ۱۳۰.

^{۲۰} - Gerolf van Vloten (۱۸۶۶ - ۱۹۰۳) http://ar.wikipedia.org/wiki/فان_فلوتن

^{۲۱} - Ignác (Yitzhaq Yehuda) Goldziher (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱) <http://en.wikipedia.org/wiki/Goldziher>

^{۲۲} - Edward Granville Browne (۱۸۶۲-۱۹۲۶) http://en.wikipedia.org/wiki/Edward_Granville_Browne

^{۲۳} - William Montgomery Watt (۱۹۰۹-۲۰۰۶) http://en.wikipedia.org/wiki/William_Montgomery_Watt

^{۲۴} - باید توجه داشت که گرچه سیاست رسانه‌های غربی عدم مطرح شدن برخی مفاهیم در سطح جامعه است ولی فراگیری تکنولوژی و دسترسی مخاطبان مختلف به منابع اطلاعاتی جایگزین، رسانه غربی را گاه مجبور به ورود به عرصه‌ای خاص می‌نماید تا کماکان مخاطب خود را به شیوه خود خوراک اطلاعاتی دهد. مسائل اسلامی مختلف مانند فرهنگ شهادت‌طلبی، دفاع از مفاهیم دینی و یا مهدویت نیز به همین شیوه در این رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

^{۲۵} - به عنوان مثال بنگرید به شیوه معرفی مهدویت در شبکه سی بی ان آمریکا پس از سخنرانی رئیس جمهور جمهوری اسلامی در سازمان ملل :

<http://www.cbn.com/cbnnews/world/۲۰۱۱/march/iran-fanning-islams-messianic-hopes/>

^{۲۶} - برای اثبات این مطلب کافی است نگاهی به تبلیغ طالبان و بن لادن به عنوان یکی از نمونه‌های عینی کسی که مسلمانان انتظار آمدن چنین کسی را دارند بیندازیم. به عنوان مثال به کتاب "مهدی: مسیحی به سرقت رفته" که توسط رون کانترل نوشته شده نظری بدویزم که عکس بن لادن بر روی جلد آن نمایان است و جزو کتابهای پرفروش سایت آمازون بوده است. ر ک:

"The Mahdi: Hijacked Messiah", Ron Cantrell, Ron Cantrell Publishing; ۳rd edition, ۲۰۰۴.

<http://www.amazon.com/Mahdi-Hijacked-Messiah-Ron-Cantrell/dp/۰۹۸۲۰۹۰۶۹۲>

^{۲۷} - نمونه فیلمهای تولیدی همچون "نوستراداموس: مردی که فردا را دید" و یا کتابهای پرشمار منتشر شده در سالیان اخیر در مورد مفهوم مهدویت (از جمله کتابهای ضد مسیح اسلامی، امام دوازدهم، مهدی ترسی در هزاره و ...) در همین راستا ارزیابی می شود.

^{۲۸} - سعادت، حمید، "واژه ((مهدی)) و جایگاه آن در کتاب و سنت، از نگاه اسلام‌شناسان غربی"، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۷ بهار و تابستان ۹۱

^{۲۹} - مطالب زیر از کتاب مستشرقان و مهدویت صص ۱۷-۲۲ و شرق شناسی ادوارد سعید صص ۱۰-۱۵ برداشته شده است.

^{۳۰} - به عنوان مثال می توان تاثیر نظریه دارمستتر از ابن خلدون - در اینکه مهدویت ریشه در اصل اسلام ندارد بلکه زائیده مسائل اجتماعی در صدر اسلام است - اشاره کرد.

-
- ۳۱ - چنانکه به عنوان مثال می بینیم مبنای معرفی مهدی در دایره المعارف معروف بریتانیکا از کلام دارمستتر می باشد.
- ۳۲ - با نگاهی به نویسندگان مدخلهای دایره المعارف های مهمی همچون دایره المعارف بزرگ اسلام این امر مشهود است.
- ۳۳ - ر.ک: رحیم کارگر، «آینده پژوهی مهدوی»، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار، سال نهم، شماره ۲۸
- ۳۴ - ادوارد سعید شرق شناسی ص ۹۵
- ۳۵ - چنانچه در ادامه خواهیم دید برخی از این مستشرقان همانند تیموتی فرنیس - سابقه حضور در نظامیان و سیاستمداران را نیز در کارنامه خود دارد.
- ۳۶ - افرادی همچون جیمز دارمستتر، ژوزف دوگوبینگو و یا همیلتون گیپ را می توان در این زمینه مثال زد.
- ۳۷ - مانند اخذ لقب "سِر" از دولت انگلیس و نشان "لژیون دونور" از دولت فرانسه توسط همیلتون گیپ ر.ک: مهدویت و مستشرقان ص ۱۷۸
- ۳۸ - از جمله می توان به کتابها و مقالات متعدد جوئل روزنبرگ در زمینه امام دوازدهم اشاره کرد. وی که مشاور پیشین نتانیاهو نیز بوده، در برنامه های متعدد رسانه ای به عنوان کارشناس خاور میانه مسائل آخرالزمانی اسلام را مطرح می سازد. ر.ک: <http://www.joelrosenberg.com>
- ۳۹ - بسیاری آمارها از فیلمهای سینمایی گرفته تا مجموعه های تلویزیونی و یا کتابهای چاپ شده همگی موید گسترش ادبیات آخرالزمانی است
- چنانچه بسیاری از فیلمهای پرفروش سالیان اخیر هالیوود داستانی آخرالزمانی داشته (ر.ک به سایت [IMDB.com](http://www.imdb.com) و مشاهده تولیدات پرمخاطب سالیان اخیر سینمای غرب) و یا کتابهای پرفروش بسیاری که با موضوعات مرتبط آخرالزمانی در سالیان اخیر انتشار یافته اند (ر.ک به سایت معروف [Amazon.com](http://www.amazon.com) و جستجو در کلیدواژه های آخرالزمانی)
- ۴۰ - مانند کتابهای "Twelfth Imam, Rise of Antichrist"، "Golden Dawn"، "Twelfth Imam" و ...
- ۴۱ - مانند کتابهای "Mahdi Hijacked Messiah"، "Holiest Wars"، "Islamic Antichrist" و ...
- ۴۲ - مانند فیلم "Nostradamous, The Man Who Saw Tommarow"
- ۴۳ - مانند برنامه های متعدد شبکه های فاکس نیوز و ان بی سی نیوز در موضوع معرفی امام مهدی ع